

نقش بنای تاریخی-مذهبی حرم مطهر شاه چراغ^(ع)

در خوانش و ارتقاء هویت فرهنگی شیراز

۱ تابان قنبری

۲ فاطمه نیک نهاد

۳ امین سرکوزاده

چکیده

القای حس بی‌هویتی و سردرگمی و عدم وجود نشانه‌های خوانا و آشنا در فضاهای شهری معاصر نتیجه رشد و گسترش بی‌رویه این شهرها است. در مقابل، آنچه امروزه در بسیاری از شهرهای معاصر شاهد هستیم، تلاش در بهره‌گیری از عناصر و بناهای تاریخی است که در اثر گذر زمان دارای معناها، ارزش‌ها و پیام‌های شناخته‌شده‌ای هستند. عملکرد این بناها به‌عنوان نشانه‌های شهری عنصری قابل توجه در خوانش و تفکیک هویت کالبدی و فرهنگی شهرها از یکدیگر است. در این میان بناهای مذهبی از جمله حرم بزرگان و پیشوایان دینی که به‌عنوان مکان‌های شناخته‌شده همواره مرکز بسیاری از رویدادهای تاریخی-مردمی بوده‌اند. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش این اماکن مذهبی در شکل‌دهی به هویت شهرهای ایرانی است که در نمونه موردی حرم شاه‌چراغ^(ع) شیراز مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله حاضر سعی دارد تا ضمن یافتن مؤلفه‌های هویت‌بخش موجود در این اماکن به ارائه زمینه‌های مؤثر حرم شاه‌چراغ^(ع) به‌عنوان نشان‌هایی کالبدی-فرهنگی در هویت شهر شیراز بپردازد. لذا با استفاده از روش پژوهش توصیفی و علی از تکنیک‌های دلفی و روش تحلیل سلسله مراتبی، به

۱- دکترای معماری، مدرس دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران. Tb_ghanbari88@hotmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران. f.niknahad@chmail.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران. amin.sarkouzadeh@gmail.com

رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری مؤلفه‌ها و سنجه‌های واجد ارزش در خلق و بازشناسی هویت شهری شیراز پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و فضاهای دست‌نخورده و الگوی معماری بنا با یک ایوان ستون‌دار چوبی و حیاط این مجموعه بیش‌ترین تأثیر را در هویت بخشی به حرم مطهر دارا است و پس از آن مؤلفه‌های دیگر کالبد-عملکردی، و رویدادهای آشنای مذهبی در ساخت تصویر ذهنی افراد (ساکنان و مسافران) و در نتیجه خوانش قوی‌تر هویت شیراز تأثیرگذارند.

واژگان کلیدی: بناهای تاریخی - مذهبی، نشانه شهری، هویت فرهنگی

مقدمه و بیان مسئله

با تغییر در توسعه شهرها و تغییر الگوهای فضای شهری، جایگاه و نقش بافت‌ها و عناصر تاریخی بجا مانده در شهرها که موجب هویت بخشیدن به فضاهای شهری می‌شوند به سرعت رو به کم رنگ شدن و از بین رفتن است. شهرهای معاصر در حال از دست دادن شخصیت و هویت خود هستند و بافت‌ها و بناهای تاریخی شهرها از توانائی‌های خود به منظور ارتقای هویت شهری باز مانده‌اند. از این رو حفظ هویت شهرها از مباحثی است که امروزه مورد توجه حرفه‌مندان و مدیران شهری قرار دارد. متمایز بودن شهرها با تکیه بر خصوصیات کالبدی، حفظ عناصر محیطی و طبیعی که نقش عمده‌ای در هویت بخشی به شهرها دارند؛ در کنار مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی از عناصر مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

بناهای شاخص تاریخی^۱ مذهبی از جمله این عناصر شاخص و ارزشمند است که در طول تاریخ شکل‌گیری زیستگاه‌ها و سپس شهرهای گوناگون به عنوان هسته و عنصر اصلی مرکز گسترش فیزیکی و نمادی در معرفی و ثبت تاریخچه شهرها به شمار می‌آیند، از جمله نمونه‌های قابل توجه در ساختار شهری - اجتماعی و فرهنگی، حرم مطهر حضرت شاه‌چراغ^(ع) است که همواره در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیراز علیرغم قیام‌ها و جریانهای متنوع سیاسی^۲ مذهبی همچنان از جمله مهمترین مراکز اجتماع^۳ گرد همایی و مامن‌های امن اجتماعی مردم شیراز بوده است. بر این اساس می‌توان عنوان نمود عوامل و مولفه‌های گوناگون کالبدی^۴ اجتماعی که سبب ماندگاری و حتی گسترش حضور این مکان به عنوان شاخص فرهنگی - مذهبی در هویت بخشی به سیمای فرهنگی شهر شیراز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این رو این تحقیق به دنبال پاسخ به دو پرسش است. نخست اینکه بنای مذهبی شاه‌چراغ^(ع) چه نقشی در تعریف و شکل‌گیری ساختار شهری شیراز قدیم داشته است و از چه طریق به خوانش و تشخیص هویت شهری شیراز کمک می‌کند؟ از این رو فرضیه این تحقیق بر این مبنا استوار است که عمارت اولیه

شاهچراغ^(ع) بعنوان بنایی مذهبی بخشی از هسته اولیه شهر و عنصری مهم در شکل‌گیری بافت شهری بوده است؛ همچنین به نظر می‌رسد این بنا با دارا بودن جایگاه خاص در فرهنگ ساکنان شیرازی نقش مهمی در ارائه تصویری روشن و به یادماندنی از شیراز دارا می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به ماهیت، از نوع کیفی است و با استفاده از روش پژوهش توصیفی و علمی از تکنیک‌های دلفی و روش تحلیل سلسله مراتبی، به رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری مولفه‌ها و سنجه‌های واجد ارزش در خلق و بازشناسی هویت شهری شیراز پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون در رابطه موقعیت و نقش حرم مطهر شاهچراغ^(ع) درزمینه‌های گوناگون فرهنگی- اجتماعی و بخصوص مذهبی شیراز مطالعات متنوعی صورت گرفته است و پژوهندگان بسیاری به بررسی اصالت روایت‌های مطرح‌شده درباره‌ی شخصیت و مرقد حضرت احمد بن موسی^(ع) پرداخته‌اند. علاوه بر کتاب‌های تاریخی و مذهبی کهن، از میان پژوهشگران معاصر نیز برخی به‌صورت تحلیلی و انتقادی به بررسی روایت‌های موجود پرداخته‌اند، از جمله کلانتری (۱۳۹۰)، راستی (۱۳۹۰)، عرفان منش (۱۳۹۱) و مقیمی (۱۳۹۲)، علاوه بر بررسی سیمای آن حضرت در متون تاریخی، به روایت‌های کشف مدفن احمد بن موسی^(ع) نیز اشاره کرده‌اند.

ادبیات نظری تحقیق

نشانه‌ها و هویت شهر

لغت نامه‌ی دهخدا، نشانه را آیت، نمودار و دلیل می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۸). فرهنگ معین، نشانه را "آن چه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود؛ علامت، نشان، اثر، حصه، بهره، خال، شامه، هدف و تیر" تعریف می‌کند. بنا به تعریف این فرهنگ واژگان، در اسناد و مکاتبات تاریخی از دوران تیمور تا شاه اسماعیل صفوی، فرمان دولتی و رسمی مبنی بر انتصاب کسی به سمتی را نشانه می‌نامیدند (معین، ۱۳۸۶). در واقع، فرایند متمایز کردن این فرد و برجسته ساختن وی را نسبت به شرایط اجتماعی خودش، نشانه شدن میدانستند. در همین حال، فرهنگ فشرده‌ی سخن علاوه بر تعاریفی که در دو لغت نامه‌ی بالا آمده است؛ نشانه را شکل، تصویر یا حرفی که برای بیان منظوری به کار می‌رود؛ نشانی، آرم و مشهور می‌داند (انوری، ۱۳۸۸) در لغت نامه‌ی انگلیسی آکسفورد نیز اگر Sign به عنوان اسم مورد نظر باشد؛ به معنی عاملی است

که به معرفی یا یادآوری چیزی دیگر کمک می‌کند و اگر به عنوان فعل استفاده شود؛ به معنای امضا کردن است. عنصری تصویری که نشان از دیدگاه شخصی حقیقی به موضوعی خاص دارد. در واقع ارزش و اعتبار این تصویر، اطلاعی است که در مورد دیدگاه آن فرد به مخاطب می‌دهد. در تعاریف فوق، به دو وجه از وجوه نشانه اشاره شده است. یک وجه، این است که چگونه یک چیز، هر چیزی -یک کلمه، یک عکس، یک دیاگرام، ابرهای بارانی، دود یا یک بنا -چیز دیگری را به خاطر ما می‌آورند (برادنت، ۱۳۷۹، ۱۲۲). این فرایند ارجاع در ذهن، توسط نشانه انجام می‌گیرد. وجه دیگر، متمایز بودن نشانه از سایر عناصر اطرافش است. فردینان دوسوسور پدر علم نشانه‌شناسی مدرن، در تعریف نشانه مستقیماً به هر دو موضوع اشاره کرده است. او نشانه را حاصل اتحاد دال / و مدلول یا همان « دلالت می‌داند. در همین حال، مهم‌ترین ویژگی نشانه از نظر وی، متمایز بودن آن است. به زعم سوسور، آن چه مشخص‌کننده‌ی هر نشانه است؛ بودن آن چیزی است که عناصر دیگر نیستند (دوسوسور، ۹۶، ۱۳۷۸) (نمودار ۱).

نمودار ۱: شرایط تبدیل به نشانگی عناصر در ذهن، مأخذ، نگارندگان



عناصر هویت بخش یک شهر بسیار گسترده هستند، هویت شهر بر پایه مولفه‌های تشکیل دهنده شخصیت آن فضا شکل می‌گیرد که عبارتند از مولفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی که هر کدام صفات و متغیرهای خود را داراست. از متغیرهای این مولفه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مولفه‌های طبیعی: کوه، رود، تپه، دشت و...
مولفه‌های مصنوع: تک بناها، راه، محله، میدان، بلوک‌های شهری و...

مولفه‌های انسانی: فرهنگ، زبان، مذهب، آداب و رسوم و... (بهزاد فر، ۱۳۸۶، ۵۶-۵۴).

از دیدگاه روانشناسی، نمایه‌ها و نمادها که بیشتر در جزئیات مطرح می‌شوند درجه شناخت و آشنایی را بالا می‌برند. نمادها کاملاً در بستری متغیر از عوامل فرهنگی-اجتماعی شکل می‌گیرند و چگونگی استفاده از آنها به قرارداد محلی آنها بستگی تام دارد (افتخارزاده، ۱۸۷، ۳۶). بنابراین درک نماد احتیاج به شناخت قبلی دارد و وابسته به فرهنگ است (گروتر، ۱۳۸۶، ۵۰۶). بدین منظور افراد با استفاده از نمادها در قالب جزئیات در پی بازتاب هرچه بیشتر نمادها در تمامیت زندگی اجتماعی-فرهنگی خود هستند تا از

این طریق بهتر خود را بشناسند و یکپارچه‌تر به صورت کلی واحد متعلق به مکانی خاص خود را معرفی کنند. با توجه به تاثیر مستقیم و غیر مستقیم فرم و تزئینات معماری بر رفتار انسان، تردیدی نمی‌ماند که کاربرد سمبل‌ها و نشانه‌هایی که جلوه معنوی و ابعاد متافیزیکی فضای معماری و محیط شهری را افزون سازد در ترکیب با زیبایی‌های معقول و محسوس، جنبه‌های فنی می‌تواند بر انبوهی از ساکنان و مراجعه کنندگان شهرها تاثیر گذار باشد (کریمیان، ۱۳۸۹، ۱۲۱). این امر خود باعث می‌شود که افراد جامعه نه تنها از نمادها تاثیر پذیرند، بلکه به واسطه آنها متحول شوند. هویت در یک فرد یعنی مجموعه ویژگی‌ها و خصایص، تفاوت‌ها و تمایزهایی که فرد آنها را مربوط به خود می‌داند و در تعریف خود از آنها بهره می‌جوید (رویگری، ۱۳۸۹، ۳۲). در هر شهر جنبه‌های نمادینی وجود دارد که می‌توانند سرمایه و نماد آن شهر محسوب شوند. این نمادها باید حفظ شوند چراکه هویت هر شهر با چنین صحنه‌هایی پیوند دارند (منصوری، ۱۳۷۹، ۳۲۲). از سوی دیگر دستیابی به هویت شخصی نیز تابع یک فرایند اجتماعی است. اجتماع در نحوه تفکر مردم درباره خود و ایجاد هویت شخصی برای آنها نقش اساسی ایفا می‌نماید. در واقع هویت شخصی بخشی از حوزه قلمروی حیات اجتماعی است که فرد خودش را با آن معرفی می‌کند. اهمیت هویت جمعی تا بدان پایه است که اگر فرد در اجتماعی قرار گیرد که نتواند خود را جزئی از آن به حساب آورد، قادر به تثبیت هویت شخصی خود نیز نیست (قاسمی، ۱۳۸۳، ۶۷). هویت شهری، هویت جمعی است که با تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر معنادار می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸، ۵۷). بنابراین نقش نمادها و نشانه‌ها در بناها و فضاهای شهر چنان مهم و تعیین کننده است که از جنبه‌های گوناگون بر ساکنان تاثیر می‌گذارد و رفتار آنها را شکل می‌دهد.

بناهای تاریخی-مذهبی به مثابه نشانه شهری

مسائل مختلفی در حفظ کالبد، معنا و ایجاد همبستگی عاطفی اجتماعی شهر موثر است که رفته رفته به عنوان نشانه‌ی آن شهر محسوب می‌شوند. از این میان می‌توان به نقش عمده بناهای مذهبی به عنوان یکی از این نشانه‌های شهری و مکانهای هویت بخش و ارتقا دهنده فرهنگ اسلامی اشاره نمود. بناهای مذهبی در بسیاری از شهرهای کشور اسلامی ایران به عنوان یک عامل شاخص شهری شناخته می‌شوند. در این راستا می‌توان نقش امام زاده‌ها را در تثبیت هویت و فرهنگ اسلامی بیان نمود بناهای امام زاده‌ای از دیرباز سبب جذب جمعیت و تلاقی افکار و فرهنگ مردمی است که بخشی از باورهای اعتقادی و مذهبی شان در آن تجلی پیدا می‌کند. این بناها از طریق تبدیل شدن به مراکز اعیاد / جشن‌ها / مراسم و یادبودهای تاریخی^۵ مذهبی مکانی معنی دار و دارای الگوی رفتاری مشخصی هستند که در اثر تکرار در طول سالیان سبب شکل گیری یک ساختار یا رویداد فضایی ثابت در ذهن افراد شده‌اند. علاوه بر تاکید مذهبی^۶ کارکردی استفاده از عناصر کالبدی شاخص همچون گنبد، منار و ایوان به عنوان

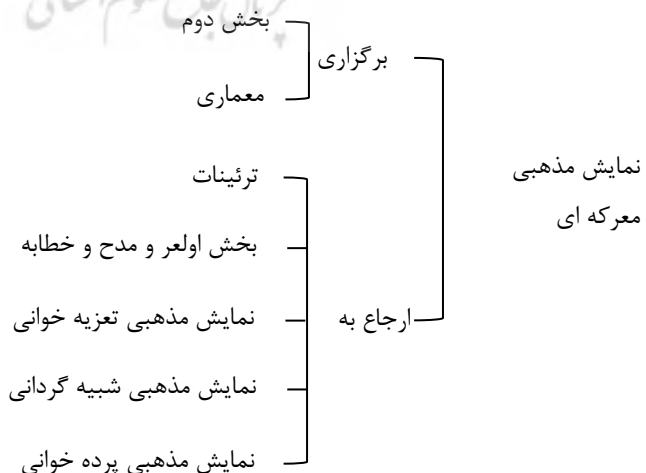
نشانه‌های شناخته شده معنایی به تقویت ماهیت نشانگی و شاخص شهری بودن نزدیک و در نهایت به عنوان مکان‌های خاطره، یاد آور بخش وسیعی از رویدادها و مراسم تاریخی مذهبی یک شهراند.

نشانه‌های مذهبی-هویت فرهنگی

ادیان از آغاز تا کنون، همواره در هویت بخشی مدنی و اجتماعی به بشر نقش مثبت و موثری داشته‌اند. اگر این مدعا پذیرفتنی باشد که ادیان در تمدن سازی تاثیر قابل توجهی داشته‌اند، مفروض آن این است که در بین عناصر فرهنگ سازی بشری، دین نقش تعیین کننده‌ای را به عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ دینی می‌تواند حیات بخش، توسعه آفرین و تمدن ساز باشد. هویت دینی نیز همچون هویت، که چند بعدی است، مفهومی است مرکب و شامل ابعاد مختلفی چون مسائل اعتقادی، شعائر و مناسک، مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۶، ۳۴ و ۳۵). نشانه‌های مذهبی در ادوار مختلف تاریخی نه تنها منابع غنی فرهنگی بلکه نمایشگاهی از تجلی برخی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی بوده‌اند. به طوری که با بررسی شاخصه‌های فرهنگی به کار رفته در این اماکن می‌توان نمودار صعود و افول مظاهر و مفاهیم فرهنگی را ترسیم نمود.

این نهادهای دینی و فرهنگی نه تنها بر فرهنگ موثر بودند بلکه تحت تاثیر فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای نیز قرار داشتند. اجتماع دسته‌های عزاداری در ایام محرم و مناسبت‌های دینی، برگزاری جشن در اعیاد و موالید معصومین^(ع)، بست نشینی، شفایابی بیماران (جودت، ۲۵۳۶: ۱۴۹) و یا رهایی از ظلم ظالمان و یا تعقیب حاکمان (اصفهانیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۹). از مناسک دینی و اجتماعی متداول در این مراقد است. صرف نظر از آسیب شناسی کارکردی این مراقد، نقش آفرینی این نهادهای دینی در عرصه فرهنگی از ابعاد مختلفی قابل پیگیری است. از این رو می‌توان نقش آفرینی اماکن مذهبی به ویژه مراقد و مشاهد امامزادگان در عرصه فرهنگی را در دو بخش عمده بررسی نمود (نمودار ۲).

نمودار ۱: شرایط تبدیل به نشانگی عناصر در ذهن، ماخذ، نگارندگان



برگزاری مجالس و محافل شعر و مدح و خطابه: ایراد سخنرانی با موضوعات علمی، سیاسی و... گرچه در زمره هنر دانسته نمی‌شود ولی با در نظر گرفتن لوازم، آداب و شرایطی که خطابه و سخنرانی در اماکن مذهبی دارد می‌توان آن را یک فعالیت با رویکردهای هنری دانست. زیرا سخنرانی مذهبی مشتمل بر به کارگیری تمامی مهارت‌ها در شناسایی سطح مخاطبان، استفاده از جملات و ترکیب‌های جذاب و همه فهم، استفاده از شعر، داستان، کنایه و سایر صنایع ادبی، نوا و سبک خاص خواندن نثرها و اشعار ادبی، حماسی و اخلاقی است.

نمایش مذهبی تعزیه خوانی: اماکن مذهبی در دوره قاجار شاهد برگزاری نمایش‌هایی با موضوعات حوادث تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ تشیع بود. حوادثی که یادآوری آن، نقش مهمی در جریان شناسی عقیدتی، اجتماعی و سیاسی جامعه داشت. شناختی که می‌توانست مبانی نظری و عملی اسلام را در هر بحران و چالش به مردم تذکر دهد. از این رو مبانی و رویکردهای بزرگان دینی، بدون اینکه در پیچ و خم تحلیل‌ها و مباحثات خشک علمی و تخصصی گم شود، به زبانی موثر و البته گویا به مردم ارائه می‌شد. نمایش‌هایی که علیرغم تکراری بودن شخصیت‌ها و حوادث، برای مخاطبان تازگی داشت. این نمایش با سخنرانی‌های خطبا و کارشناسان دینی که معمولاً قبل از اجرای نمایش ایراد می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۳۱/۱). تماشاگران را به تفکر و الگوگیری و شناخت هر چه بیشتر و دقیق‌تر از نمایش نامه‌ها فرا می‌خواند.

نمایش مذهبی شبیه گردانی: در کنار تعزیه خوانی، برنامه دیگری نیز با عنوان شبیه گردانی به نمایش در می‌آمد، که در عهد مظفرالدین شاه رونقی شایان یافت. در این نمایش گروهی به عنوان یاوران و یا اشقیا در واقعه عاشورا، سوار بر اسب و شتر می‌شدند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۲۴/۱) و در داخل و یا حد فاصل اماکن مذهبی به حرکت در می‌آمدند. نمایش شبیه گردانی بیشتر با هدف آماده سازی فضای اجتماعی و شهری برای برگزاری آیین‌های عزاداری در کوچه و خیابان‌ها به گردش شروع و به مراقد امامزادگان و یا اماکن مذهبی مشهور ختم می‌شد.

نمایش مذهبی پرده خوانی: به جز تعزیه خوانی و شبیه گردانی گروهی نیز به عنوان پرده خوان به تصویر وقایع تاریخی به ویژه واقعه جانسوز کربلا می‌پرداختند. این هنر بعدها علیرغم جایگاهی که در اماکن مذهبی داشت (صدرالسادات، بی تا: ۱۲۹-۱۲۸) تنها به عنوان «نقاشی قهوه خانه‌ای» شهرت یافت. افرادی که به پرده خوانی اشتغال داشتند مداحان، مرثیه خوانان و افرادی بودند که بدون بهره گیری از تحصیلات آکادمیک استعداد بازیگری داشتند (صدرالسادات، بی تا: ۱۲۹-۱۲۸). وسایل کار آنان که به بومی نقاشی شده دو یا سه ذرع (۸۰ الی ۱۲۰ سانتی متر) و چوب دستی خلاصه می‌شد (شهری، ۱۳۶۹، ۳۴/۶)، به آنان اجازه می‌داد که محدود به مکان خاصی نباشد و به دنبال مخاطبان بیشتر تغییر مکان دهند. از این رو، مراقد امامزادگان و اماکن مذهبی در مناسبت‌های ملی و مذهبی میهمان این دسته از

هنرمندان گمنام بود.

نمایش مذهبی معرکه ای: دیگر نمایش مذهبی که به صورت دوره ای به اجرا در می آمد، مسئله گویی معرکه ای بود. این نمایش که باز هم در مراقد امامزادگان، صحن مساجد بزرگ و اماکن پر رفت و آمد برگزار می شد، با دو بازیگر آغاز می شد (شهری، ۱۳۶۹: ۲۱/۶-۲۰). مرشد که دارای سنی به کمال و بچه مرشد که نوجوان بود. در این نمایش، مرشد یکی از مسائل مورد ابتلا را از بچه مرشد سوال می کرد و بچه مرشد با کمک و راهنمایی پاسخ آن را می داد (شهری، ۱۳۶۹: ۲۱/۶-۲۰). این نحوه از پرسش و پاسخ اگرچه اتقان علمی کمتری نسبت به سخنرانی های دانشمندان دینی داشت ولی به جهت شرکت حضار در آن، نمایشی بودن و حتی مشتمل بودن بر موضوع های طنز گونه، شکلی کارگاهی دارد و دارای مخاطبان خاص خود.

تاریخچه و جایگاه حرم مطهر شاه چراغ در ساختار شهری قدیم شیراز

این بارگاه نورانی از زمان پیدایش در دوران اتابکان و ساخت گنبد بر فراز آن و همچنین تحولات مربوط به زمان آل اینجو و موقوفات تاشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق که منجر به گسترش این حرم مطهر شد. بر اساس اسناد و کتب به جای مانده اولین بنای حرم شاه چراغ^(ع) را به زمان عضدالدوله دیلمی (۳۳۸ تا ۳۱۷ ه. ق) فرزند حسن، ملقب به رکن الدوله و از سلاطین آل بویه نسبت می دهند. تعمیرات بنای قبلی و اضافه کردن ابنیه جدید در زمان اتابکان فارس (۶۲۳ تا ۶۵۹ ه. ق) به دستور امیر مقرب الدین مسعود بدرالدین، وزیر اتابک ابوبکر زنگی، صورت گرفته است و بعداً تعمیرات متعددی در بقعه مطهر انجام شده، که در سال ۹۱۲ ه. ق توسط شاه اسماعیل صفوی و در سال ۱۱۴۱ ه. ق به دستور نادرشاه افشار بوده است. اگرچه در اثر زلزله های شیراز به خصوص در سال های ۹۹۷ و ۱۲۳۹ ه. ق بخش عمده ساختمان حرم ویران شده، لکن با همت مسئولان حرم و مردم در زمان حسینعلی میرزا، حاکم فارس (۱۲۳۹ ه. ق) و فتحعلی شاه قاجار (۱۲۴۳ ه. ق)، مرمت و بازسازی شد.

علاقه و محبت دوستداران اهل بیت سبب شده، حرم مطهر و روضه منوره حضرت شاه چراغ^(ع) در اعصار مختلف تعمیر، توسعه و تکمیل شود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عملیات عمرانی وسیعی در حریم شرفین احمدی و محمدی^(ع) انجام شده است و همچنان ادامه دارد. سقف و دیوارهای قسمت قدیمی حرم مطهر به طرز با شکوهی آینه کاری شده و آینه کاری این رواق ها در سال ۱۳۰۵ ه. ق توسط استاد زین العابدین پایان یافته است و بعداً نیز سالن دیگری به حرم مطهر اضافه شده که توسط استادانی چون «حسن ظریف صنایع» و «رحیم بهرامیان»، آینه کاری شده و محرابی از مرمر در جنوب و محفظه ای برای قرآن از خاتم در شمال حرم، زینت آرای فضای ملکوتی این بخش از حرم است. بناهای بعدی که سبب

افزایش زوار و نیاز به توسعه بیشتر حرم شد به همان سبک سنتی آینه کاری شد و هم‌اکنون سالن جدید بالای سر ساخته شده و منبر بزرگی در قسمت جنوبی این سالن نصب شده که از مرمر یک پارچه ساخته و به طرز زیبایی حجاری شده است.







شکل ۲: سفره هفت سین عید نوروز در صحن اصلی شاهچراغ ماخذ: نگارندگان

شکل ۱: شاهچراغ و میدان احمدی، ۱۳۸۹، ماخذ: نگارندگان

تحلیل عوامل موثر

شکل ۱: شاهچراغ و میدان احمدی، ۱۳۸۹، ماخذ: نگارندگان

دوره‌های تاریخی	نشانه شهری	نشانه مذهبی	هویت فرهنگی	حس تعلق	عکس
دوره سلجوقیان	-----	اهمیت مذهبی زیاد	-----	-----	-----
دوره صفویه	به عنوان نشانه شهری	دارای ارزش مذهبی	در سال ۱۶۳۷ توسط توماس هربرت، شاردن، به عنوان مکان‌های مهم شیراز ذکر شده است.	زیارتگاه و محل عبادت.	-----

	<p>محل عبادت و خلوت گاه و زیارت گاه</p>	<p>موثر در فرهنگ مذهبی</p>	<p>دارای ارزش مذهبی</p>	<p>گنبدی در وسط شهر، به عنوان نشانه شهری</p>	<p>دوره زندگی</p>
	<p>محل عبادت و خلوت گاه و زیارتگاه</p>	<p>سفرنامه مادام دیولافوا (گنبدی که در میان باهای مسطح خانه، خود نمایی می کند)</p>	<p>دارای ارزش مذهبی</p>	<p>به عنوان نشانه شهری و مذهبی</p>	<p>دوره قاجاریه</p>
	<p>زیارتگاه و محل الگوپذیری دینی و مذهبی</p>	<p>وجود ارزشمند و بزرگ در ارتقاء فرهنگ عمومی و مذهبی</p>	<p>قوی ترین و مهمترین نشانه مذهبی شهر شیراز</p>	<p>جز نقاط قوت شهری و فرهنگی و مذهبی</p>	<p>دوره پهلوی</p>
	<p>فضایی برای برگزاری مراسم مهم مذهبی و فرهنگی، فضای معنوی، محل الگوپذیری دینی و مذهبی</p>	<p>به عنوان یکی از ارزشهای مهم فرهنگی شیراز</p>	<p>دارای ارزش بالایی مذهبی</p>	<p>الگوی گسترش شهری و نماد فرهنگی و مذهبی</p>	<p>دوره معاصر</p>

نتیجه گیری

با تفکر در مطالب پژوهش حاضر و همچنین کنکاش در تاریخ جامعه اسلامی و به خصوص شهر شیراز در می‌یابیم که امام زادگان نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و گسترش مذهب شیعه در مناطق مختلف ایران در دوره‌های تاریخی متفاوت داشته‌اند. نگاهی به تاریخ ایران اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که فراگیری مذهب شیعه در شهرها و روستاهای ایران زمین، پیوندی عمیق با مهاجرت گسترده امام زادگان به ویژه فرزندان (امام موسی کاظم^(ع)) پس از آمدن امام رضا^(ع) به ایران داشته است. شیراز یکی از مهمترین شهرهای مذهبی ایران اسلامی است که بنا به اهمیت فرهنگی و مذهبی آن؛ سومین حرم اهل بیت و سومین شهر مذهبی ایران نامگذاری شده است و به جهت وجود امامزادگان بزرگ و تاثیر گذاری از جمله احمد بن موسی (شاهچراغ)، بر عظمت و معنویت آن افزوده است. فضاهای جمعی و بالخصوص بناهای امام زاده‌ای از دیرباز سبب جذب جمعیت، تلاقی افکار و توسعه فرهنگی بوده است. بنابراین وجود مکانی همچون مرقد مطهر شاهچراغ به واسطه داشتن برنامه ریزی جهت برگزاری مراسمی همچون: جشن ولادت ائمه، عزاداری شهادت ائمه، یادواره‌های شهدا و محافل انس با قرآن کریم، باعث افزایش فرهنگ عمومی مردم گردیده است. بنابراین میتوان چنین درنمود که وجود اماکن مذهبی و به خصوص حرم شاهچراغ فضایی مهم جهت ایجاد اتحاد جمعی، افزایش تعاملات اجتماعی، ایجاد احساس برابری و خضوع و هم چنین به وجود آورنده بستری مناسب برای پیشرفت فرهنگی شیراز محسوب می‌شوند.

منابع

۱. اصفهانیان، کریم و دیگران، اسناد تاریخی خاندان غفاری تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، (۱۳۸۵).
۲. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، چاپ نهم، انتشارات سخن، تهران، (۱۳۸۸).
۳. برادبنت، جفری (۱۳۷۹)، راهنمایی ساده در باب نظریه نشانه‌ها در معماری، ترجمه نیره طهوری، فصلنامه معماری ایران، دوره اول، شماره ۳، صفحات ۱۲۰، ۱۳۶، (۱۳۷۹).
۴. بهزاد فر، مصطفی، هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران"، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر، (۱۳۸۶).
۵. جودت، حسین (۲۵۳۶)، تهران در گذشته نزدیک از زمان، بی جا.
۶. حسن شادمانی. مرجان منتظری، نقش بافت‌های تاریخی در شکل دهی به هویت شهرهای ایرانی (مطالعه موردی: محله مروی تهران مجموعه مقاله همایش‌های ایران. اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار. انجمن محیط زیست کومش، تهران، (۱۳۹۲).
۷. دهخدا، لغت نامه (فرهنگ) دهخدا- ۱۶ جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، (۱۳۷۷).
۸. ذوالفقاری، حسن، مقاله هویت ایرانی و دینی در ضرب لمثل‌های فارسی، مطالعات ملی، ۳۰، ۸، ش ۲، ۵۲-۲۷، (۱۳۸۶).

۹. راستی، هاجر. علل و آثار هجرت حضرت احمدبن موسی شاهچراغ^(ع) به شیراز، به راهنمایی پورا احمدی. شیراز، دانشگاه شیراز، (۱۳۹۰).
۱۰. سوسور، فردیناند، دوره‌ی زبان شناسی عمومی، مترجم: کوروش صفوی، تهران: نشر هرمس، (۱۳۷۸).
۱۱. شهری، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم تهران: رسا، (۱۳۶۹).
۱۲. صدرالسادات، مهرا ن (بی‌تا)، تعزیه در هنر نقاشی عامیانه، مجله مشکوة، شماره ۷۶، مشهد، (۱۳۸۲).
۱۳. عرفان منش، جلیل. چلچراغ شیراز، چاپ سوم، مشهد، آستان قدس رضوی، (۱۳۹۱) .
۱۴. کلانتری، علی اکبر. آفتاب شیراز، پژوهشی نو و جامع پیرامون شخصیت و مدفن حضرت احمدبن موسی^(ع) معروف به شاهچراغ. شیراز، دانشگاه شیراز، (۱۳۹۰).
۱۵. مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۶). شرح زندگانی من تهران، هرم، (۱۳۸۶).
۱۶. معین، محمد، لغت نامه (فرهنگ) معین، نشر بهزاد، تهران، (۱۳۸۹).
۱۷. مقیمی، احمد و مجتبی حاتمی. مقاله بررسی نقش امام زاده احمدبن موسی ع (شاهچراغ)، بر پیشرفت فرهنگی شیراز، کنگره بین المللی امامزادگاه، اصفهان، (۱۳۹۲).
18. Hornby, A. S (1994) , Oxford advanced dictionary of current english, fifth edition .

